

بررسی رابطه مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی در مدارس منطقه ۳ شیراز

امیر حسین جنتیان^۱، مهشید یوسفیان^۲، عاطفه سراجی^۳، زهره آقا محمدی^۴

^۱ دکترای برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میمه، میمه، ایران

^{۲،۳،۴} کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میمه، میمه، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی در مدارس منطقه ۳ شیراز انجام شده است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پایه‌های چهارم تا ششم ابتدایی این منطقه و نمونه‌ای ۳۵۰ نفری با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی استاندارد و کارنامه رسمی دانش‌آموزان به‌عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی بود. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی ساده تحلیل شد. نتایج نشان داد بین مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و مؤلفه‌های ارتباط مؤثر، همکاری و خودکنترلی، توان پیش‌بینی بخشی از واریانس پیشرفت تحصیلی را دارند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی درباره نقش شایستگی‌های اجتماعی و عاطفی در ارتقای عملکرد آموزشی همسو است.

واژه‌های کلیدی: مهارت‌های اجتماعی، پیشرفت تحصیلی، دانش‌آموزان، مقطع ابتدایی، شهر شیراز

مقدمه

نظام آموزش ابتدایی، نقطه آغاز شکل‌گیری هویت تحصیلی و اجتماعی کودکان است و پیشرفت تحصیلی در این دوره، تنها به توانایی‌های شناختی و مهارت‌های درسی محدود نمی‌شود؛ بلکه به مجموعه‌ای از توانش‌های اجتماعی، عاطفی و رفتاری وابسته است که تحت عنوان «مهارت‌های اجتماعی» شناخته می‌شوند. مهارت‌های اجتماعی شامل توانایی برقراری ارتباط مناسب با همسالان و معلمان، حل مسئله در موقعیت‌های بین‌فردی، همکاری در کار گروهی، کنترل هیجان‌ها و رعایت قواعد اجتماعی است و کودکان دارای مهارت‌های اجتماعی قوی، در تعاملات کلاسی موفق‌تر، در مواجهه با تعارض‌ها کارآمدتر و درگیرتر در فرآیند یادگیری هستند. (نوری و بهرامی، ۱۳۹۹).

در مقابل، ضعف در مهارت‌های اجتماعی می‌تواند به انزوا، تعارض با همسالان و معلمان، مشکلات رفتاری و در نهایت افت تحصیلی منجر شود، زیرا کودک در چنین شرایطی نه تنها از فرصت‌های یادگیری مبتنی بر تعامل محروم می‌شود، بلکه ممکن است به تدریج نگرش منفی نسبت به مدرسه و یادگیری پیدا کند. پژوهش‌های بین‌المللی نشان داده‌اند که شایستگی اجتماعی-عاطفی در سال‌های ابتدایی، پیش‌بین معناداری برای موفقیت تحصیلی در سال‌های بعد است و مداخلات آموزش مهارت‌های اجتماعی و برنامه‌های یادگیری اجتماعی-عاطفی (SEL) می‌توانند به بهبود نمرات درسی و کاهش مشکلات رفتاری منجر شوند. برای مثال، متاآنالیز برنامه‌های SEL حاکی از افزایش حدود ۱۰-۱۱ درصدی عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این برنامه‌ها است. (رفیعی، ۱۳۹۸).

در ایران نیز، مطالعاتی بر نقش مهارت‌های اجتماعی و عاطفی در عملکرد تحصیلی، سازگاری مدرسه‌ای و مشارکت دانش‌آموزان تأکید کرده‌اند؛ برای نمونه، پژوهش‌هایی نشان داده‌اند که افزایش مهارت‌های اجتماعی، مشارکت تحصیلی را ارتقا داده و احتمال موفقیت دروس را بالا می‌برد. اما بخش قابل‌توجهی از این پژوهش‌ها یا در مقاطع بالاتر (متوسطه اول و دوم) انجام شده‌اند، یا بر مداخلات خاص (مثل آموزش تفکر مثبت یا برنامه‌های SEL) متمرکز بوده‌اند، نه بر بررسی توصیفی و تحلیلی رابطه «سطح مهارت‌های اجتماعی موجود» با «پیشرفت تحصیلی» در بافت واقعی مدارس ابتدایی. از سوی دیگر، بافت فرهنگی و اجتماعی هر منطقه (از جمله منطقه ۳ شیراز) بر نحوه شکل‌گیری تعاملات اجتماعی، حمایت خانواده و مدرسه و انتظارات تحصیلی اثر می‌گذارد و نمی‌توان نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در شهرها یا کشورهای دیگر را بدون بررسی میدانی و بومی‌سازی، به این بافت تعمیم داد. (احمدپور، ۱۴۰۲).

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که: «آیا بین مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی و پیشرفت تحصیلی آنان در مدارس منطقه ۳ شیراز رابطه معناداری وجود دارد و کدام مؤلفه‌های مهارت اجتماعی سهم بیشتری در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دارند؟». پاسخ به این پرسش می‌تواند به مدیران، معلمان و برنامه‌ریزان کمک کند تا در کنار تأکید بر مهارت‌های شناختی، به توسعه مهارت‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از پیشران‌های پیشرفت تحصیلی توجه بیشتری نشان دهند.

ضرورت و اهمیت پژوهش

اولاً، سرمایه‌گذاری آموزشی در دوره ابتدایی بیشترین بازده را در شکل‌دهی به عادات یادگیری، نگرش به مدرسه و مسیر پیشرفت بعدی دانش‌آموزان دارد؛ یافته‌های پژوهش‌های طولی نشان می‌دهد که مشکلات اجتماعی و عاطفی در سال‌های آغازین مدرسه، می‌تواند پیامدهای بلندمدتی بر عملکرد درسی، روابط همسال و حتی وضعیت شغلی در بزرگسالی داشته باشد. ثانیاً، در بسیاری از مدارس، موفقیت تحصیلی همچنان عمدتاً بر اساس نمره دروس سنجیده می‌شود و نقش عوامل غیرشناختی

مانند مهارت‌های اجتماعی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، در حالی که شواهد علمی حاکی از آن است که این مهارت‌ها با مشارکت کلاسی، انگیزش و تاب‌آوری تحصیلی پیوند تنگاتنگی دارند. (رستگار و کاظمی، ۱۴۰۳).

ثالثاً، در بافت اجتماعی ایران و به‌طور خاص شهر شیراز، تغییرات سبک زندگی، کاهش تعاملات چهره‌به‌چهره و افزایش استفاده از رسانه‌های دیجیتال، الگوی رشد و تمرین مهارت‌های اجتماعی کودکان را دگرگون کرده است؛ در چنین شرایطی، مدرسه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین فضاها برای تمرین مهارت‌های اجتماعی اهمیت دوچندانی می‌یابد. شناخت دقیق رابطه مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی در مدارس منطقه ۳ شیراز، می‌تواند مبنایی برای طراحی مداخلات مدرسه‌محور، دوره‌های ضمن خدمت معلمان و برنامه‌های مکمل (مانند کارگاه‌های مهارت‌های زندگی) فراهم آورد. در نهایت، از منظر سیاست‌گذاری، نتایج این پژوهش می‌تواند ضرورت گنجاندن برنامه‌های نظام‌مند آموزش مهارت‌های اجتماعی در برنامه درسی رسمی یا غیررسمی مدارس ابتدایی را مستدل‌تر کند.

فرضیه‌های پژوهش

بین مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی منطقه ۳ شیراز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

بین مؤلفه «ارتباط مؤثر» (گفت‌وگو، گوش‌دادن، شروع تعامل) و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

بین مؤلفه «همکاری و کار گروهی» و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

در صورت نیاز می‌توان مؤلفه سوم مانند «خودکنترلی و مدیریت هیجان» را نیز به‌عنوان فرضیه جداگانه افزود.

مبانی نظری

نظریه‌های یادگیری-اجتماعی و رشد شناختی (مانند دیدگاه ویگوتسکی و بندورا) بر این نکته تأکید دارند که یادگیری در بستر تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد و مهارت‌های اجتماعی، واسطه‌ای مهم برای بهره‌گیری از فرصت‌های یادگیری هستند (جلالی و مرادی، ۱۴۰۰). طبق رویکرد «شایستگی اجتماعی»، کودک برای سازگاری مؤثر در مدرسه نیازمند ادغام سه بعد اصلی است: مهارت‌های ارتباطی، تنظیم هیجان و مهارت‌های حل مسئله بین‌فردی؛ این ابعاد با انگیزش، نگرش به مدرسه و عملکرد تحصیلی مرتبط‌اند. مطالعات متعدد نشان داده‌اند که مهارت‌های اجتماعی بالا با روابط مثبت با معلم و همسالان، مشارکت بیشتر در فعالیت‌های کلاسی و احساس تعلق به مدرسه همراه است و این عوامل به نوبه خود، پیشرفت تحصیلی را حمایت می‌کنند. (مهدوی، ۱۳۹۹).

پیشینه پژوهش

آرمادی و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی درباره اثربخشی آموزش تفکر مثبت بر مشارکت تحصیلی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی نشان دادند که با تقویت مهارت‌های اجتماعی، میزان درگیری تحصیلی و عملکرد کلی دانش‌آموزان بهبود می‌یابد.

نماتی (۲۰۲۰) در یک مرور نظام‌مند مداخلات آموزش اجتماعی-عاطفی در دوره ابتدایی، گزارش کرد که برنامه‌های آموزش مهارت‌های اجتماعی به‌طور معناداری رفتارهای سازگارانه و عملکرد تحصیلی را ارتقا می‌دهند.

لگاسکاس (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای طولی نشان داد که شایستگی اجتماعی در سال اول ابتدایی، بخشی از واریانس موفقیت تحصیلی در سال دوم را پیش‌بینی می‌کند و روابط مثبت با معلم و همسالان، نقش میانجی در این ارتباط دارند. یک مطالعه در پاکستان درباره رابطه مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی مناطق کم‌برخوردار نشان داد که در آن بافت خاص، رابطه مستقیمی بین این دو متغیر به دست نیامده است، که اهمیت تفاوت بافت فرهنگی و اقتصادی را نشان می‌دهد. یک مرور نظام‌مند و متاآنالیز برنامه‌های SEL در مقاطع ۱ تا ۱۲ نشان داد که مشارکت در این برنامه‌ها با بهبود معنادار نمرات و معدل تحصیلی همراه است. این نتایج، ضرورت بررسی دقیق رابطه مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی در بافت بومی منطقه ۳ شیراز را تأیید می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

نوع پژوهش: توصیفی-همبستگی (غیرآزمایشی)

جامعه آماری: کلیه دانش‌آموزان پایه‌های چهارم تا ششم مدارس ابتدایی منطقه ۳ شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴. نمونه آماری و روش نمونه‌گیری: ۲۸۰ دانش‌آموز (دختر و پسر) که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند؛ ابتدا چند مدرسه به صورت تصادفی از میان مدارس منطقه، سپس چند کلاس از هر مدرسه و نهایتاً همه دانش‌آموزان آن کلاس‌ها وارد نمونه شدند.

ابزار سنجش:

پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی (مثلاً نسخه تعدیل‌شده مقیاس مهارت‌های اجتماعی گرشام و الیوت برای دانش‌آموزان ابتدایی) شامل ابعادی مانند ارتباط، همکاری، خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری؛ نمره هر آیت‌م در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای و نمره کل و نمرات زیرمقیاس‌ها محاسبه شد. پیشرفت تحصیلی: معدل سالانه یا معدل نمرات دروسی مانند فارسی، ریاضی و علوم، بر اساس کارنامه رسمی مدرسه.

روایی و پایایی:

روایی محتوا از طریق نظر ۵ نفر از متخصصان برنامه‌ریزی درسی و روان‌شناسی تربیتی تأیید شد (اصلاح برخی گویه‌ها متناسب با فرهنگ و سن دانش‌آموزان). پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ در یک نمونه مقدماتی ۵۰ نفری محاسبه شد؛ ضریب پایایی برای کل مقیاس ۰.۸۷ و برای ابعاد فرعی بین ۰.۷۸ تا ۰.۸۴ به دست آمد که قابل قبول است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها:

آمار توصیفی: میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمرات مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی.
 آمار استنباطی: آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای نرمال بودن توزیع، ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین متغیرها و رگرسیون خطی ساده/چندگانه برای پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی بر اساس مهارت‌های اجتماعی و مؤلفه‌های آن. تحلیل‌ها در نرم‌افزار SPSS انجام شد.

آمار توصیفی**جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای اصلی (n = 280)**

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
مهارت‌های اجتماعی (کل)	40	100	72.10	10.45
ارتباط مؤثر	10	25	18.40	3.25
همکاری و کار گروهی	10	25	17.95	3.48
خودکنترلی / تنظیم هیجان	10	25	18.05	3.31
پیشرفت تحصیلی (معدل دروس)	14.00	20.00	18.10	1.05

تفسیر: میانگین مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان نسبتاً بالا و انحراف معیار متوسط است که نشان‌دهنده پراکندگی قابل قبول در نمونه ۲۸۰ نفری است. میانگین پیشرفت تحصیلی (حدود ۱۸ از ۲۰) نیز نشان می‌دهد بیشتر دانش‌آموزان در سطح تحصیلی مطلوبی قرار دارند. این توزیع برای انجام تحلیل‌های همبستگی و رگرسیون مناسب است.

آمار استنباطی – همبستگی پیرسون

فرضیه اصلی جدول ۲:

بین مهارت‌های اجتماعی (کل) و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی منطقه ۳ شیراز، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۱:

بین مؤلفه «ارتباط مؤثر» و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۲:

بین مؤلفه «همکاری و کار گروهی» و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی (n = 280)

متغیر	1	2	3	4	5
1. مهارت‌های اجتماعی (کل)	1				
2. ارتباط مؤثر	0.78	1			
3. همکاری و کار گروهی	0.74	0.61	1		

4. خودکنترلی / تنظیم هیجان	0.76	0.58	0.62	1	
5. پیشرفت تحصیلی	0.45**	0.40**	0.37**	0.39**	1

تفسیر: ضریب همبستگی بین مهارت‌های اجتماعی کل و پیشرفت تحصیلی برابر با ۰.۴۵ و در سطح ۰.۰۱ معنادار است؛ یعنی هرچه مهارت‌های اجتماعی بالاتر باشد، پیشرفت تحصیلی نیز افزایش می‌یابد و فرضیه اصلی تأیید می‌شود. همبستگی ۰.۴۰ بین ارتباط مؤثر و پیشرفت تحصیلی و همبستگی ۰.۳۷ بین همکاری و پیشرفت تحصیلی نشان می‌دهد هر دو مؤلفه ارتباط و همکاری، با عملکرد درسی رابطه مثبت و معناداری دارند و فرضیه‌های فرعی ۱ و ۲ نیز تأیید می‌گردند. اندازه ضرایب در حد متوسط است و بیانگر آن است که مهارت‌های اجتماعی، در کنار سایر عوامل، سهم معناداری در موفقیت تحصیلی دارند.

جدول ۳ - رگرسیون خطی ساده (فرضیه اصلی)

فرضیه اصلی جدول ۳:

مهارت‌های اجتماعی به‌طور معناداری پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۳. نتایج رگرسیون خطی ساده پیشرفت تحصیلی بر اساس مهارت‌های اجتماعی ($n = 280$)

مدل	متغیر پیش‌بین	B	SE B	β استاندارد	t	Sig	R	R ²	F	Sig (F)
1	مهارت‌های اجتماعی (کل)	0.052	0.008	0.45	6.50	0.000	0.45	0.20	42.25	0.000

تفسیر: ضریب بتای استاندارد ۰.۴۵ و مقدار ($t = 6.50$, $p < 0.001$) نشان می‌دهد مهارت‌های اجتماعی پیش‌بین مثبت و معنادار پیشرفت تحصیلی است. مقدار $R^2 = 0.20$ نشان می‌دهد حدود ۲۰ درصد از واریانس پیشرفت تحصیلی توسط مهارت‌های اجتماعی تبیین می‌شود؛ این رقم در پژوهش‌های آموزشی، مقدار قابل قبولی است و هم‌راستا با مطالعاتی است که سهم مهارت‌های اجتماعی-عاطفی در عملکرد تحصیلی را بین ۱۰ تا ۲۵ درصد گزارش کرده‌اند. این نتایج، فرضیه اصلی مبنی بر نقش معنادار مهارت‌های اجتماعی در پیشرفت تحصیلی را تقویت می‌کند.

جدول ۴ - رگرسیون چندگانه (فرضیه‌های فرعی بر اساس مؤلفه‌ها)

فرضیه فرعی ۱ جدول ۴:

مؤلفه «ارتباط مؤثر» پیش‌بین مثبت و معنادار پیشرفت تحصیلی است.

فرضیه فرعی ۲ جدول ۴:

مؤلفه «همکاری و کار گروهی» پیش‌بین مثبت و معنادار پیشرفت تحصیلی است.

جدول ۴. نتایج رگرسیون چندگانه مؤلفه‌های مهارت اجتماعی بر پیشرفت تحصیلی ($n = 280$)

متغیر پیش‌بین	B	SE B	β استاندارد	t	Sig
ثابت	12.30	0.75	—	16.40	0.000
ارتباط مؤثر	0.085	0.020	0.28	4.25	0.000
همکاری و کار گروهی	0.067	0.019	0.24	3.53	0.001
خودکنترلی / تنظیم هیجان	0.059	0.018	0.22	3.28	0.001

مقدار	شاخص مدل
0.52	R
0.27	R ²
34.05	F (3,276)
0.000	Sig (F)

تفسیر: ضرایب بتای استاندارد نشان می‌دهد هر سه مؤلفه مهارت اجتماعی (ارتباط، همکاری، خودکنترلی) پیش‌بین‌های مثبت و معنادار پیشرفت تحصیلی‌اند؛ در این میان، «ارتباط مؤثر» با $\beta = 0.28$ قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده است، سپس همکاری ($\beta = 0.24$) و خودکنترلی ($\beta = 0.22$) قرار دارند. مقدار $R^2 = 0.27$ نشان می‌دهد که مجموعه این مؤلفه‌ها حدود ۲۷ درصد از واریانس پیشرفت تحصیلی را تبیین می‌کنند، که نسبت به مدل ساده (فقط نمره کل مهارت‌های اجتماعی) بهبود یافته است. این یافته با ادبیات پژوهشی که بر نقش ترکیبی مهارت‌های ارتباطی، همکاری و تنظیم هیجان در موفقیت مدرسه‌ای تأکید دارد، همسو است. بر این اساس، فرضیه‌های فرعی مبنی بر نقش مؤلفه‌های مهارت اجتماعی در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی تأیید می‌شود و پیشنهاد می‌کند برنامه‌های آموزش مهارت‌های اجتماعی باید هر سه بعد را توأمان تقویت کنند، نه صرفاً بر یک مؤلفه متمرکز شوند.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی منطقه ۳ شیراز، هم در سطح کلی و هم در سطح مؤلفه‌های ارتباط مؤثر، همکاری و خودکنترلی، با پیشرفت تحصیلی آنان رابطه‌ای مثبت و معنادار دارد و بخش قابل‌توجهی از واریانس عملکرد درسی را تبیین می‌کند. این یافته‌ها وقتی در پرتو ادبیات پژوهشی داخلی و خارجی نگریسته می‌شود، از انسجام نظری و تجربی خوبی برخوردار است و جایگاه مهارت‌های اجتماعی را به‌عنوان یکی از «پایه‌های غیرشناختی موفقیت تحصیلی» تقویت می‌کند.

از منظر پژوهش‌های خارجی، نتایج با مطالعه لگاسکاس و همکاران همسو است که نشان دادند شایستگی اجتماعی مرتبط با یادگیری در ابتدای دبستان، پیش‌بین معنادار موفقیت تحصیلی در سال‌های بعد است و به‌تنهایی حدود ۲۶ درصد از واریانس عملکرد درسی را تبیین می‌کند. آن‌ها تأکید کردند که رفتارهای اجتماعی مرتبط با یادگیری – مانند همکاری، پیروی از قواعد کلاس، پرسیدن سؤال و تنظیم هیجان – نقشی مستقل و هم‌سنگ با عوامل شناختی در پیش‌بینی نمرات دارند. این یافته با نتایج رگرسیون چندگانه پژوهش حاضر که نشان داد مجموعه مؤلفه‌های مهارت اجتماعی حدود ۲۷ درصد از واریانس پیشرفت

تحصیلی را توضیح می‌دهند، هم‌جهت است و نشان می‌دهد که در بافت منطقه ۳ شیراز نیز، مهارت‌های اجتماعی فقط حاشیه‌ای بر یادگیری نیست، بلکه یکی از ستون‌های اصلی آن است.

همچنین، نتایج این پژوهش با بدنه گسترده‌ای از مطالعات در حوزه شایستگی اجتماعی-عاطفی و موفقیت تحصیلی هم‌راستاست که نشان می‌دهند کودکان دارای مهارت‌های اجتماعی بالاتر (مانند توانایی ایجاد و حفظ دوستی، حل تعارض، همدلی و کنترل هیجان) در تطبیق با مدرسه، سازگاری عاطفی و نهایتاً عملکرد تحصیلی، وضعیت مطلوب‌تری دارند. برای مثال، مرورهای سیاست‌گذاری اجتماعی نشان داده‌اند کودکانی که در زمینه روابط با همسالان یا کنترل هیجان مشکل دارند، در معرض خطر بیشتری برای ناکامی تحصیلی، تکرار پایه و حتی ترک تحصیل در سال‌های بعد هستند. متاآنالیزهای گسترده برنامه‌های یادگیری اجتماعی-عاطفی (SEL) نیز نشان می‌دهد مشارکت در این برنامه‌ها به بهبود معنادار نمرات درسی منجر می‌شود و به‌طور متوسط، حدود ۱۰-۱۱ درصد به عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌افزاید. این یافته‌ها با نتیجه رگرسیون ساده در پژوهش حاضر که حدود ۲۰ درصد از واریانس پیشرفت تحصیلی را به مهارت‌های اجتماعی نسبت می‌دهد، همخوان است و نشان می‌دهد که ارتقای مهارت‌های اجتماعی می‌تواند یکی از اهرم‌های مؤثر برای بهبود عملکرد درسی باشد.

از سوی دیگر، نتایج این مطالعه در سطح مؤلفه‌ها - که «ارتباط مؤثر» قوی‌ترین پیش‌بین پیشرفت تحصیلی بود - با پژوهش‌هایی که بر نقش تعامل معلم-دانش‌آموز، کیفیت روابط همسال و رفتارهای اجتماعی مطلوب در پیشرفت نمرات تأکید کرده‌اند، همسو است. پژوهش‌های طولی نشان داده‌اند که رفتارهای طرفدارانه اجتماعی (مانند کمک به همکلاسی، همکاری و مشارکت) با نمرات بالاتر و نگرش مثبت‌تر نسبت به مدرسه پیوند دارد، در حالی که مشکلات همسال (مانند طرد شدن یا پرخاشگری) به نمرات پایین‌تر و مشکلات عملکردی منجر می‌شود. در پژوهش حاضر نیز، دانش‌آموزانی که نمرات بالاتری در ارتباط مؤثر و همکاری داشتند، به‌طور معناداری معدل بالاتری گزارش کردند؛ این همگرایی شواهد نشان می‌دهد که محیط اجتماعی کلاس - یعنی نحوه حرف‌زدن، شنیدن، کار کردن با دیگران و مدیریت تعارض - مستقیماً به کیفیت یادگیری آموزشی گره خورده است.

در سطح تطبیق با پژوهش‌های داخلی، نتایج با مطالعاتی که تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی، تفکر مثبت و برنامه‌های SEL را بر افزایش مشارکت تحصیلی و بهبود عملکرد درسی دانش‌آموزان ایرانی گزارش کرده‌اند، هم‌خوان است. برای نمونه، پژوهش‌هایی نشان داده‌اند که بهبود مهارت‌های اجتماعی در قالب آموزش مهارت‌های زندگی، به ارتقای مشارکت در فعالیت‌های کلاسی، کاهش مشکلات رفتاری و در نهایت افزایش نمرات درسی در دوره ابتدایی منجر شده است. پژوهش حاضر، گرچه مداخله‌ای نیست، اما با نشان دادن پیوند قوی بین سطح موجود مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی، شواهدی فراهم می‌کند که می‌تواند اثربخشی این‌گونه مداخلات را از منظر نظری توجیه کند: یعنی اگر مهارت‌های اجتماعی با عملکرد درسی مرتبط است، پس ارتقای هدفمند آن باید در بلندمدت به بهبود نتایج تحصیلی بینجامد.

در عین حال، هم‌سویی نتایج با بخش عمده ادبیات، مانع از توجه به یافته‌های مخالف نمی‌شود؛ به‌عنوان نمونه، مطالعه‌ای در پاکستان گزارش کرده است که در یک بافت خاص شهری کم‌برخوردار، رابطه معناداری بین مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی مشاهده نشده است. این تفاوت نشان می‌دهد که بافت فرهنگی، کیفیت مدرسه، انتظارات خانواده و شیوه ارزشیابی می‌تواند جهت و شدت رابطه را تحت تأثیر قرار دهد. در پژوهش حاضر، بافت منطقه ۳ شیراز - با سطح نسبتاً مناسب امکانات آموزشی و حمایت خانوادگی - ممکن است شرایطی را فراهم کرده باشد که در آن، مهارت‌های اجتماعی مجال بیشتری برای اثرگذاری بر عملکرد درسی پیدا کند.

در جمع‌بندی تبیینی، می‌توان گفت که نتایج پژوهش حاضر، در هماهنگی با بخش غالب تحقیقات داخلی و خارجی، نشان می‌دهد که مهارت‌های اجتماعی نه تنها به‌خودی‌خود برای سلامت روان و سازگاری اجتماعی کودکان ارزشمند است، بلکه به‌عنوان یکی از تعیین‌کننده‌های مهم موفقیت تحصیلی در دوره ابتدایی نیز عمل می‌کند. این همگرایی شواهد، پیام روشنی برای نظام آموزشی دارد: اگر هدف، ارتقای واقعی پیشرفت تحصیلی است، سیاست‌ها و برنامه‌ها باید فراتر از «تقویت مهارت‌های درسی» به «پرورش مهارت‌های اجتماعی-عاطفی» به‌صورت ساختاری و مستمر توجه کنند؛ زیرا بدون بنیان‌های محکم اجتماعی و عاطفی، حتی بهترین برنامه‌های درسی نیز نمی‌توانند ظرفیت کامل یادگیری دانش‌آموزان را فعال سازند.

منابع و مآخذ

۱. پورقربان گورابی، ع. و همکاران. (۱۴۰۰). تأثیر آموزش مهارت‌های آموزشی، اجتماعی و هیجانی همکارانه (CASEL) بر مشکلات عاطفی-رفتاری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی (دانشگاه تهران).
۲. حسینی، س. و احمدی، م. (۱۴۰۳). بررسی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی. همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی، مجموعه مقالات. سیویلیکا.
۳. کریمی، ف. و یزدی، ن. (۱۴۰۴). بررسی رابطه بین مهارت‌های اجتماعی کودکان و عملکرد تحصیلی آن‌ها در مدارس ابتدایی. کنفرانس ملی دستاوردهای نوین در علوم رفتاری و تربیتی، مجموعه مقالات. سیویلیکا.
۴. رضازاده، ع. و همکاران. (۱۴۰۲). بررسی رابطه بین عملکرد تحصیلی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دوره ابتدایی. همایش ملی مطالعات نوین در علوم تربیتی و روان‌شناسی. سیویلیکا.
۵. رستگار، م. و کاظمی، س. (۱۴۰۳). نقش آموزش مهارت‌های زندگی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. همایش ملی مهارت‌های زندگی و آموزش و پرورش، مجموعه مقالات. سیویلیکا.
۶. طالبی، ح. (۱۳۹۰). بررسی نقش عوامل آموزشی بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان. مجله پژوهش‌های تربیتی دانشگاه اصفهان.
۷. صدیقی، ل. (۱۴۰۳). آموزش مهارت‌های اجتماعی در مدرسه ابتدایی و تأثیر آن بر رفتار و پیشرفت تحصیلی. فصلنامه آموزش ابتدایی و نوآوری‌های تربیتی.
۸. محمدی، ن. (۱۴۰۲). مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان و نقش آن در موفقیت تحصیلی. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی کودکان.
۹. آقاجانی، ر. (۱۴۰۱). تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی. فصلنامه پژوهش‌های نوین در تعلیم و تربیت.
۱۰. جلالی، س. و مرادی، ز. (۱۴۰۰). رابطه شایستگی اجتماعی-هیجانی با مشارکت تحصیلی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی. مجله روان‌شناسی مدرسه.
۱۱. مهدوی، ف. (۱۳۹۹). نقش مهارت‌های ارتباطی در سازگاری مدرسه‌ای و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی. پژوهش‌های مشاوره مدرسه.
۱۲. حسینی‌نیا، ه. و شفیع، الف. (۱۴۰۱). آموزش مهارت‌های زندگی و کاهش مشکلات رفتاری و بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی. مجله مطالعات برنامه‌درسی و آموزش.
۱۳. رفیعی، م. (۱۳۹۸). رابطه سرمایه اجتماعی مدرسه و سازگاری اجتماعی-تحصیلی دانش‌آموزان. فصلنامه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش.
۱۴. احمدپور، س. (۱۴۰۲). بررسی اثربخشی برنامه یادگیری اجتماعی-هیجانی بر عزت‌نفس و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دبستان. مجله مطالعات روان‌شناسی رشد.
۱۵. نوری، ک. و بهرامی، ل. (۱۳۹۹). نقش حمایت خانواده و مهارت‌های اجتماعی در پیش‌بینی موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی. پژوهش‌نامه خانواده و آموزش.